



محمد (ص)؛ پیروز میدان صداقت

هر کس که کاریکاتور تکراری مجله ی فکاهی شارلی ابدو که در آن بار دیگر به شخصیت و ساحتِ آخرین پیامبر رحمت حضرت محمد (ص) توهین شده است ببیند آه سرد از دل خواهد کشید و اشک گرم از دیدگان خواهد بارید. به یقین بیننده ی مُتصف و پاک وجدان خواهد گفت: بوی انسانیتی از طراحان و منتشرکنندگان این کاریکاتورها نشنیدم.

هر کس که کاریکاتور تکراری مجله ی فکاهی شارلی ابدو که در آن بار دیگر به شخصیت و ساحتِ آخرین پیامبر رحمت حضرت محمد (ص) توهین شده است ببیند آه سرد از دل خواهد کشید و اشک گرم از دیدگان خواهد بارید. به یقین بیننده ی مُتصف و پاک وجدان، خواهد گفت: به، انسانیت، از طراحان، منتشرکنندگان، اب، کاربکاته‌ها نشنیدم.

این نشریه فرانسوی که چهار سال پیش یعنی در سال 2011 میلادی نیز به رسول گرامی (ص) اهانت کرده بود در کاریکاتور تازه اش، به ناحق مدّعی است که «پیامبر اسلام، عبوس، ثرثرو و خشن بوده است» حال آن که مورخان یهودی، مسیحی و مسلمان روایت کرده اند و نشان داده اند که محمد (ص) نه تنها با همه ی مردم مهربان و اهل مدارا بوده که حتی به کودکان هم سلام می گفته و روی زمین با بچه ها گرم بازی بوده است. چند تایی شان از سر و کول او بالا می رفته اند و سرگرمشان می کرده و صدای شادی و خنده شان به هوا می رفته است.

حضرت محمد (ص)، جزم اندیش، بدخلق، ثرثرو و مغرور نبوده و نه تنها همنشینی با مردم عادی و کوچه و بازار که بازی با کودکان را دور از شان انسانی و نبوی خویش نمی دانسته است. آن انسانِ با محبت، برای بچه ها آن خانه ی سنگی یا گلی را که زده بودند و خرابش کرده بودند دوباره سرهم می چیده و درست می کرده است.

در زمانه ای که عرب های جاهلی دختر بچه ها را زنده به گور می کردند (1)، او دختر خود را بر روی زانو می نشاند و جلو دیگران او را می بوسیده تا مردان، محبت بیاموزند. نوشته اند هنگامی که پسرش ابراهیم در خردسالی درگذشت، بسیار گریست. گفتند چرا این قدر بی تابی می کنی؟ گفت: گریه از «دل رحمی» است. کسی که رحم ندارد، خدا هم به او رحم نمی کند.

دل او بر ساحتِ زمین بیش از همه با مردم عادی و کودکان احساس نزدیکی می کرده است. وقتی که به تماشای بچه ای می نشستند در یک چنان موجود کوچکی، جوانه ی همه ی فضایل و نیروهای را می دیده که روزی به راستی به کار بزرگ ترها می آید؛ نیروها و فضایی چون معصومیت، صداقت، شادابی و اخلاص. دوری شان از فساد و پاکی شان از عیب.

این کلام پیامبران بویژه آخرینشان بر لوحِ دل و قلم انسان های خواهانِ پاکی و راستی می نشیند که «بر شما است که یکی مثل کودکان باشید». جا دارد که پیروان همه ی ادیان از جمله مسیحیان، به ویژه دست اندرکاران نشریات فرانسوی، حضرت عیسی (ع) و محمد (ص) را و معصومیت و صداقت شان را الگو و سرمشق خود بدانند. اما درد کهنه این است که بیشتر مردم به پیامبران ایمان دارند اما به سخنانشان گوش و رفتارشان را الگو قرار نمی دهند.

به تعبیر حکیمان، عظمت انسان های بزرگ از برخوردشان با کودکان و آدم های کوچک مشخص می شود. انسان های بزرگ مانند پیامبر اسلام نه تنها نگاه رافت و محبت به انسان ها داشته اند که به حیوانات نیز از سر مهر و شفقت می نگریسته اند. دیده اند محمد (ص) را که روزی شتری را دیده که زانوهایش بسته شده و هنوز بار سنگینی بر روی آن بوده است. گفته که «به صاحب شتر بگوئید خود را برای مواخذه ی خداوند در روز قیامت آماده کند». از قیامت خبری می شنوی، دستی از دور بر آتش داری.

با آن که روح و رحمت و تعلیمات مترقی محمد (ص) و عشق و علاقه ی او به انسان و حقوقش زمینه ی شادی، پیشرفت و رستگاری بشریت را فراهم کرده است اما متأسفانه مسلمانان از جمله سلفی ها، امروزه کمتر از این زمینه برخوردارند. آنان در دامن محمد (ص) زندگی می کنند با همه ی این، با او و صفات و خصایل و آموزه هایش بیگانه اند.

از صفات و خصایل محمد (ص) و صحابه و اولاد پاک او کدامین نشانه در اخلاق و منش جماعتِ مسلمانان سلفی و تکفیری و رهبرانشان هست؟ شیر را بچه همی ماند به او تو به پیغمبر چه می مانی؟ بگو. (مولانا). محمد (ص) بی وقفه از طریق وحی و عقل و سنت و تعلیماتش با ما در گفت و گو است بی آن که هرگز ارزش مهم آن رحمه للعالمین و ارزش آموزه هایش را بفهمیم.

دروغ بر تو ای شریف ترین همه ی انسان ها. ای پیروز میدان صداقت و راستی. ای که برق نگاهت ظلمات جاهلیت جدید را خواهد شکافت. تو از خود، وحی و حقیقتی به جا گذاشته ای که عظمت نامت را نگاه خواهد داشت. امروز، اخلاق و «جمال

چهره ی تو حُجّت موجّه ماست» و فردا و دوران های آینده آوازه ی تو را و ترانه ی معصومیّت کودکانه ات را خواهند شنید.

*1. اذا بشر احدهم بما ضرب للرحمان مثلا ظل وجهه مسودا و هو كظیم (زخرف / 17).